



باسمه تعالی

پیرامون ساختار سازمانی سمپاد



خدمت تمام دوستان و همکاران سلام

در مورد ساختار سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان نظرات متفاوتی وجود دارد. این نظرات حاصل تجربیات دوستان در مدارس، اداره سمپاد و در سازمان‌های دیگر است. در این متن من سعی کرده‌ام نقطه نظرات خودم را به صورت خلاصه بنویسم و در اختیار دوستان قرار دهم. امیدوارم که مفید واقع شود.

سوال مهم مدرسه‌ها زیر نظر سمپاد باشند یا خیر؟

♦ ارتباط مالی مدرسه‌ها با سازمان

در مورد سمپاد هم من بارها و از افراد مختلف این سؤال را شنیدم که آیا مدرسه‌ها باید زیر نظر سمپاد باشند یا نه. اصل کلی اداره هر سازمانی عدم به اشتراک‌گذاری قدرت سازمان است. هیچ نهادی به دنبال کوچک کردن خود نیست. شاید این اصل با رویکرد شفصی افراد در زندگی خود در تناقض باشد، اما هیچ مدیر موفقی به دنبال کوچک کردن حوزه نفوذ خود و کم کردن دامنه اختیارات سازمان نیست. ولی آیا در حال حاضر ما توانایی تغییر در وضعیت موجود را داریم یا خیر؟ با توجه به تصویب اساسنامه در شورای انقلاب فرهنگی و ساختار جالافتاده در آموزش و پرورش، به نظر من خیلی معنا ندارد که به دنبال سمپاد دهه هفتاد باشیم. در دهه هفتاد حق التدریس معلمان شاغل در مدرسه‌ها توسط معاونت مالی سمپاد پرداخت می‌شد و مدیران مدرسه حقوق یا قسمتی از حقوق معلمان حق التدریس خود را از سمپاد دریافت می‌کردند. البته از سوی دیگر تقریباً در هیچ جای آموزش و پرورش (لا اقل در شهرهای بزرگ و متوسط) حق التدریس نیروهای آزاد از طرف دولت پرداخت نمی‌شود. پس فقط می‌ماند نیروهای رسمی. من فکر نمی‌کنم این موضوع که نیروهای رسمی به جای اینکه نیروی منطقه آموزش و پرورش باشند تبدیل شوند به نیروی سمپاد اهمیت و اولویت خاصی داشته

باشد. البته غیر از حقوق و دستمزد سمپاد دهه هفتاد کمک‌های کوچکی به مدرسه‌ها می‌کرد که با توجه به ناچیز بودن اهمیت زیادی ندارد.

♦ انتخاب مدیران توسط ستاد مرکزی

ستاد مرکزی سمپاد نقشی در انتخاب مدیران مراکز آموزشی ندارد. این رویه اکنون کاملاً در آموزش و پرورش جالفتاده است. در شهر تهران مدیران مراکز با نظر اداره کل آموزش و پرورش انتخاب می‌شوند. برخی از مواقع مدیران مناطق نیز نقشی در انتخاب مدیران دارند. با توجه به گستردگی مدرسه‌ها واقعاً سفت و شاید غیر ممکن است که اینکار را به عهده ستاد مرکزی بگذاریم. صحت‌هایی در کنار این موضوع می‌شود از این قبیل که مدیران مراکز شهرهای بزرگ توسط ستاد انتخاب شوند و یا مدیران باید تاییدیه ثانویه را از ستاد مرکزی بگیرند. به نظر من این قبیل پیشنهادها نمی‌تواند راهگشا و گره‌گشا باشد

♦ نقش دفاتر استانی سمپاد

به نظر من دفاتر استانی سمپاد نتوانسته‌اند کمک‌حال مدرسه‌ها باشند. در واقع این دفاتر فاصله ادارات کل را با مدرسه‌ها کمتر و فاصله سمپاد را با مدرسه‌ها بیشتر کرده‌اند. یک مدیر مدرسه باید با منطقه‌ی آموزش و پرورش تعاملاتی داشته باشد، اگر در جایی با منطقه نتوانست کنار بیاید در اینصورت مجبور است که به سراغ دفتر استانی سمپاد برود که زیر نظر اداره کل استان است. از طرف دیگر مناطق آموزش و پرورش هم زیر نظر ادارات کل هستند. یعنی دو مسیر که هر دو به یک‌جا منتهی می‌شوند.

♦ بخش‌نامه‌های وزارتی

از لحاظ ساختاری سمپاد می‌تواند از طریق بخش‌نامه‌های اداری مواردی را به مدرسه‌ها تکلیف نماید. اما این موضوع در صورتی به کار می‌آید که مدیران الزامی به اجرای بخش‌نامه‌ها داشته باشند. شاید عجیب به نظر به برسد اما تعدد بخش‌نامه‌ها و زود به زود عوض شدن مدیران آموزش و پرورش فرهنگ خاصی را در آموزش و پرورش حاکم کرده است. در این متن کتبی خیلی نمی‌توانم موضوع را باز کنم ولی دوستان بارها و بارها شاهد بوده‌اند که وقتی به یک مقام بالاسری تذکر داده می‌شود که خواسته‌اش خلاف قانون است با تعجب به این تذکر برافروزد می‌کند. (با تعجب نه با عصبانیت) متأسفانه معنای قانون در ادارات عوض شده است. قانون چیزی است که باید پایین دست اجرا کند و برای بالادست قانونی وجود ندارد. این جمله «من اجازه‌ی این مورد را می‌گیرم.» یک عبارت مصطلح در آموزش و پرورش و

دیگر ادارات است. در نهایت به نظر می‌رسد که بخش‌نامه‌ها بدون ضمانت اجرایی چندان فایده‌ای ندارند.

چه باید کرد؟

◆ جمع‌آوری کامل اطلاعات و نظرسنجی از تمام مدرسه‌های سمپاد

تمام مطالبی که تا اینجا گفته‌ام و در ادامه خواهم گفت براساس تجربه‌های شخصی خودم و یا دوستان نزدیک بوده است. نمی‌توان چندان به این تجربیات شخصی اعتنا کرد. اما تا هنگامیکه یک بررسی دقیق و ساختارمند در سمپاد در این موضوع انجام شود چاره دیگری جز اتکا به همین تجربیات شخصی و نظرسنجی‌های پراکنده وجود ندارد.

◆ ایجاد سامانه اطلاعاتی سمپاد و وب‌سایت مدرسه‌ها

مشخصات دانش‌آموزان قبول شده باید در یک سامانه جامع ثبت شود. نقل و انتقال دانش‌آموزان تحت این سامانه صورت گیرد و هیچ اتفاقی خارج از آن نباشد. اطلاعات مدرسه‌ها هم باید به صورت کامل در این سامانه وارد شود.

◆ ارتباط‌گیری مستقیم با مدرسه‌ها

مستقل از اینکه مدیر مدرسه‌ها تحت چه فرآیندی انتخاب می‌شوند سمپاد باید مستقیماً با آن‌ها در ارتباط باشد. چگونگی ارتباط باید هوشمندانه طراحی شود. به عبارت دیگر اصلاً نباید قبول کنیم که مدرسه‌ها زیر نظر سمپاد نیستند. غیر از مدیرها، سمپاد باید با دیگر ارکان مدرسه مستقیم ارتباط برقرار کند. با معاونین آموزشی، معاونین پژوهشی و معلمان. حتی با کادر اداری هم باید ارتباط بگیرند. سامانه سمپاد یهانه خوبی برای ایجاد این ارتباط است. هر منطقه کشور باید متولی خاصی در ستاد مرکزی داشته باشد.

سفن آفر

بدترین سفنی که من در این مدت شنیده‌ام این جمله است. « اگر مدرسه‌ها زیر نظر سمپاد باشند، سازمان از بسیاری از کارها باز می‌ماند. » سازمان باید افتخار کند که به مدرسه‌ها خدمت کند. سازمان نباید مدرسه‌ها را از خودش دور کند. سازمان چیزی جز مجموع مدرسه‌ها نیست.

اما در مقابل شنیده‌ام که گفته می‌شود مدرسه‌ها باید زیر نظر سازمان در بیایند. من این را هم قبول ندارم. مدرسه‌ها زیر نظر سمپاد هستند. حتی اگر سمپاد در انتخاب مدیران نقش مستقیم نداشته باشد.

موفق باشید

سعید سرکاراتی ۸ مهرماه ۹۹